



آموزش قواعد و مفاهیم درس

علامت‌ها

فتحه «َ»، كسره «ِ»، ضمه «ُ»، سکون «ْ» و تنوین «ً، ٌ، ٍ»

اسم از نظر جنس

در عربی هر اسمی از نظر جنس، یا مذکر است و یا مؤنث که معمولاً علامت مؤنث، داشتن «ة» است و گاهی نیز معنای اسم، بیانگر مؤنث بودن آن است، بدون نیاز به علامت مؤنث؛ مانند: بنت (دختر)، زینب و ...

- اسم
- ١- مذكر: طبيب (آقای دکتر)، شاعر (مرد شاعر)، والد (پدر)، كلام، عمل، كتاب، قرآن و ...
- ٢- مؤنث: طبيبة (خانم دکتر)، شاعرة (زن شاعر)، والدة (مادر)، شجرة، مدرسة، مدينة، أخت و ...

اسم از نظر عدد (تعداد)

در عربی هر اسمی یا مفرد (یکی) است یا مثنی (دوتا) و یا جمع (بیشتر از دوتا).

البته در عربی دو نوع جمع داریم:

- جمع سالم که با اضافه کردن نشانه‌ی جمع به انتهای اسم مفرد ساخته می‌شود؛ مانند: معلم ← معلمون، معلمین / معلمة ← معلمات

- جمع مکسر** که نشانه‌ی خاصی ندارد بلکه فقط بر اساس شنیده‌ها یاد گرفته می‌شود و بی‌قاعده است.

در جمع مکسر، شکل اسم مفرد تغییر می‌کند؛ مانند: مدرسه ← مدارس / عارف ← عُرَفَاء / طفل ← أطفال



الدَّرَجَةُ الْأُولَى

اسم‌های اشاره

اسم‌های اشاره همان «این، آن، این‌ها، آن‌ها» در زبان فارسی است. در جدول زیر اسم‌های اشاره‌ی زبان عربی را آورده‌ایم.

جمع	مثنی	مفرد	
هَؤُلَاءِ (این‌ها)	هَٰذَانِ (این دو)	هَٰذَا (این)	مذكر
هَؤُلَاءِ (این‌ها)	هَاتَانِ (این دو)	هَٰذِهِ (این)	مؤنث
أُولَٰئِكَ (آن‌ها)	—	ذَٰلِكَ (آن)	مذكر
أُولَٰئِكَ (آن‌ها)	—	تِلْكَ (آن)	مؤنث

اسم اشاره

نزدیک

دور

کلمات پرسشی

برای سؤالی کردن جملات، در زبان عربی از کلمات پرسشی استفاده می‌کنیم. در جدول زیر، کلمات پرسشی زبان عربی را مشخص کرده‌ایم.

معنا	کلمه‌ی پرسشی	معنا	کلمه‌ی پرسشی
کجا	أَيْنَ	آیا	أَمْ
از کجا، اهل کجا	مِنْ أَيْنَ	آیا	هَلْ
چند، چه قدر	كَمْ	چه کسی، چه کسانی	مَنْ
چگونه	كَيْفَ	کیست	مَنْ هُوَ
چه	مَاذَا	کیست	مَنْ هِيَ
چرا	لِمَاذَا	برای کیست، مال چه کسی است	لِمَنْ
چه وقت	مَتَى	چیست، چه، چه چیز	مَا
برای چه	لِمَ	چیست	مَا هُوَ
		چیست	مَا هِيَ

اعداد اصلی

منظور از اعداد اصلی که برای شمارش به کار می‌رود همان یک، دو، سه و ... است. اعداد اصلی ۱ تا ۱۲ به این صورت است:

اعداد اصلی، یک تا دوازده			
یک: واحد	چهار: أَرْبَعَة	هفت: سَبْعَة	ده: عَشْرَة
دو: اِثْنَان	پنج: خَمْسَة	هشت: ثَمَانِيَة	یازده: أَحَدُ عَشَرَ
سه: ثَلَاثَة	شش: سِتَّة	نه: تِسْعَة	دوازده: اِثْنَا عَشَرَ

اعداد ترتیبی

منظور از اعداد ترتیبی همان یکم، دوم، سوم، و ... است که برای بیان مرتبه استفاده می‌شود. اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم به این ترتیب است:

اعداد ترتیبی، یکم تا دوازدهم	
یکم: الْأَوَّلُ / الْأَوَّلَى	هفتم: السَّابِعُ / السَّابِعَة
دوم: الثَّانِي / الثَّانِيَة	هشتم: الثَّامِنُ / الثَّامِنَة
سوم: الثَّلَاثُ / الثَّلَاثَة	نهم: التَّاسِعُ / التَّاسِعَة
چهارم: الرَّابِعُ / الرَّابِعَة	دهم: الْعَاشِرُ / الْعَاشِرَة
پنجم: الْخَامِسُ / الْخَامِسَة	یازدهم: الْحَادِي عَشَرَ / الْحَادِيَة عَشْرَة
ششم: السَّادِسُ / السَّادِسَة	دوازدهم: الثَّانِي عَشَرَ / الثَّانِيَة عَشْرَة

فعل ماضی، مضارع، ضمایر، شخص‌ها

تذکره در فارسی، فعل‌ها و ضمیرها را برای شش شخص به کار می‌بریم. شخص در عربی، «صیغه» نامیده می‌شود.

شخص یا صیغه در فارسی	شخص یا صیغه در عربی	ضمیر	فعل ماضی	مثال	فعل مضارع	مثال	ضمیر پیوسته
اول شخص مفرد (من)	متکلم وحده	أنا (من)	فَعَلْتُ (انجام دادم)	ذَهَبْتُ (رفتم)	أَفْعُلُ (انجام می‌دهم)	أَذْهَبُ (می‌روم)	ي: عملي: کارم
دوم شخص مفرد (تو)	مفرد مذکر مخاطب	أَنْتَ (تو)	فَعَلْتَ (انجام دادی)	ذَهَبْتَ (رفتی)	تَفْعُلُ (انجام می‌دهی)	تَذْهَبُ (می‌روی)	كَ: عملك: کارت
مفرد مؤنث مخاطب	أَنْتِ (تو)		فَعَلْتِ (انجام دادی)	ذَهَبْتِ (رفتی)	تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی)	تَذْهَبِينَ (می‌روی)	كَ: عملك: کارت
سوم شخص مفرد (او)	مفرد مذکر غائب	هو (او)	فَعَلَ (انجام داد)	ذَهَبَ (رفت)	يَفْعُلُ (انجام می‌دهد)	يَذْهَبُ (می‌رود)	هـ / هـ: عمله: کارش
مفرد مؤنث غائب	هي (او)		فَعَلَتْ (انجام داد)	ذَهَبَتْ (رفت)	تَفْعُلُ (انجام می‌دهد)	تَذْهَبُ (می‌رود)	ها: عملها: کارش
اول شخص جمع (ما)	متکلم مع الغير	نحن (ما)	فَعَلْنَا (انجام دادیم)	ذَهَبْنَا (رفتیم)	نَفْعُلُ (انجام می‌دهیم)	نَذْهَبُ (می‌رویم)	نا: عملنا: کارمان
دوم شخص جمع (شما)	جمع مذکر مخاطب	أنتم (شما)	فَعَلْتُمْ (انجام دادید)	ذَهَبْتُمْ (رفتید)	تَفْعَلُونَ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبُونَ (می‌روید)	كُم: عملكم: کارتان
جمع مؤنث مخاطب	أنتن (شما)		فَعَلْتُنَّ (انجام دادید)	ذَهَبْتُنَّ (رفتید)	تَفْعَلْنَ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبْنَ (می‌روید)	كُن: عملكن: کارتان
مثنی مذکر یا مؤنث مخاطب	أنتما (شما)		فَعَلْتُمَا (انجام دادید)	ذَهَبْتُمَا (رفتید)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبَانِ (می‌روید)	کما: عملكما: کارتان
جمع مذکر غائب	هم (آن‌ها)		فَعَلُوا (انجام دادند)	ذَهَبُوا (رفتند)	يَفْعَلُونَ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبُونَ (می‌روند)	هم: عملهم: کارشان
جمع مؤنث غائب	هن (آن‌ها)		فَعَلْنَ (انجام دادند)	ذَهَبْنَ (رفتند)	يَفْعَلْنَ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبْنَ (می‌روند)	هن: عملهن: کارشان
سوم شخص جمع (آن‌ها، ایشان)	مثنی مذکر غائب	هما (آن‌ها)	فَعَلَا (انجام دادند)	ذَهَبَا (رفتند)	يَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبَانِ (می‌روند)	هما: عملهما: کارشان
مثنی مؤنث غائب	هما (آن‌ها)		فَعَلَتَا (انجام دادند)	ذَهَبَتَا (رفتند)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	تَذْهَبَانِ (می‌روند)	هما: عملهما: کارشان

انواع فعل

ماضی (مثبت)	ماضی منفی	مضارع (مثبت)	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	نهی	امر
ما رَجَعْتُ: برگشت	ما رَجَعْتُ: برگشت	يَرْجِعُ: برمی‌گردد	لا يَرْجِعُ: برنمی‌گردد	سوف يَرْجِعُ: باز خواهد گشت	لا تَرْجِعْ: برنگرد	إِرجِعْ: برگرد

و حالا یک سؤال ذهنمان را به خودش مشغول کرده!  «مضارع تغییر یافته» یعنی چی؟
برای پیدا کردن جواب این سؤال به روش ساختن نهی و امر توجه کنید:

روش ساختن فعل نهی (لا + مضارع تغییر یافته)

به ابتدای فعل مضارع حرف «لا» اضافه می‌کنیم که به آن، «لای نهی» می‌گوییم. این «لا» باعث تغییراتی در انتهای فعل می‌شود که به ترتیب زیر انجام می‌شود:

اگر در آخر فعل، ضمه (ـَ) داشته باشیم آن را به سکون (ـْ) تبدیل می‌کنیم.	تَذهِبْ ← تَذهِبْ ← لا تَذهِبْ (نرو)
اگر در آخر فعل، حرف «ن» داشته باشیم آن را حذف می‌کنیم. (به شرط این‌که قبل از «ن» یکی از حروف «و - ا - ی» داشته باشیم).	تَذهِبُونَ ← تَذهِبَانِ ← لا تَذهِبا (نروید) تَذهِبِينَ ← لا تَذهِبی (نروید)
در دو صیغه‌ی دوم و سوم شخص (جمع مؤنث) این شرط وجود ندارد پس «ن» حذف نمی‌شود.	تَذهِبْنَ ← تَذهِبْنَ ← لا تَذهِبْنَ^۱ (نروید) دوم شخص جمع مؤنث (بدون تغییر)

تذکره اگرچه می‌توانیم از تمام صیغه‌های مضارع، فعل نهی بسازیم ولی اکثراً فعل نهی از صیغه‌های دوم شخص (مفرد و جمع) یعنی از صیغه‌های مخاطب ساخته می‌شود.

روش ساختن فعل امر (حذف «ت» از مضارعی که آخرش تغییر یافته)

فعل امر فقط از مضارع دوم شخص (مفرد و جمع) یعنی فقط صیغه‌های مخاطب ساخته می‌شود البته با اجرای سه مرحله:

حرف «ت» را از ابتدای مضارع دوم شخص حذف می‌کنیم.

۴ اگر اولین حرف بعد از «ت»، ساکن (ء) باشد با حذف «ت» باید «ا» جایگزین آن کنیم که علامت آن به علامت حرف دوم ریشه بستگی دارد:

(اگر حرف دوم ریشه، ء باشد از «أ» و اگر ء یا ـ باشد، از «إ» استفاده می‌کنیم)

تَنْظُرُ ← أَنْظُرْ تَلْعَبُ ← اَلْعَبُ تَجْلِسُ ← اِجْلِسْ

۳ انتهای فعل را به روشی که در ساختن فعل نهی گفتیم تغییر می‌دهیم.

ـُ	←	ـِ	←	(ساکن)
ن	←	ن	←	(حذف)
ن	←	ن	←	(بدون تغییر)

دوم شخص (جمع مؤنث)

به اجرای این مراحل در مثال‌های زیر توجه کنید:

به اجرای این مراحل در مثال‌های زیر توجه کنید:

تَذْهَبُ (می‌روی) ← امر (اِذْهَبْ (برو)
تَذْهَبُونَ (می‌روید) ← امر (اِذْهَبُوا^۲ (بروید)
تَذْهَبْنَ (می‌روید) ← امر (اِذْهَبْنَ (بروید)
تَذْهَبِينَ (می‌روی) ← امر (اِذْهَبِي (برو)
تَذْهَبَانِ (می‌روید) ← امر (اِذْهَبَا (بروید)

در ساختن فعل نهی و فعل امر همیشه انتهای فعل دچار تغییر می‌شود. (غیر از صیغه‌ی دوم شخص جمع مؤنث)

بهرتر است بدانیم که به تغییرات انتهای فعل که در ساختن امر و نهی اجرا می شود و خلاصه‌ی آن در مرحله‌ی شماره‌ی ۳ در امر آمده است اصطلاحاً «مجزوم» کردن، گفته می‌شود. پس برای ساختن امر و نهی انتهای فعل را مجزوم می‌کنیم.

۱- بر این اساس، فعل مضارع منفی در صیغه‌های جمع مونث غائب و جمع مونث مخاطب با فعل نهی آن‌ها تشابه پیدا می‌کند و تنها از قرائن موجود در جمله می‌توان پی برد که

فعل مضارع منفی است. از این رو باید گفت: مضارع منفی: نمی‌روید (شما)

فعل مضارع منفی است یا نهی: لا تذهبن ← نهی: نروید (شما)

۲- در هنگام ساختن نهی یا امر از دوم شخص جمع (مذکر) که آخرش «ون» دارد با حذف «ن» نباید «و» تنها بماند. به همین دلیل به آن «ا» اضافه می‌کنیم که البته خوانده

نمی شود: تذهبون، لا تذهبوا، امر: اذهبوا

تفاوت لای نفی و لای نهی: لای نفی (منفی) باعث تغییر انتهای فعل نمی‌شود ولی لای نهی انتهای فعل را تغییر می‌دهد. (مجزوم می‌کند)
مانند: لا تذهب: نمی‌روی (نفی) لا تذهب: نرو (نهی)

حروف اصلی (ریشه) - وزن

- اکثر کلمات در عربی، ریشه دارند. ریشه، همان حروف اصلی هر کلمه است که سه حرف می‌باشد.
- کلمات هم‌خانواده، از یک ریشه ساخته شده‌اند. مانند: عالم، معلوم، علیم، علماء و تعلیم همگی از ریشه «ع ل م»
- آهنگ و ریتم هر کلمه را «وزن» می‌گویند. اگر به جای ریشه‌ی کلمه، «فعل» را قرار دهیم، وزن آن کلمه به دست می‌آید. مانند:

کلمه ←	عالم	تعلیم	منصور	سجاد	أخبر	غسلتم	مسجد	ضرب
وزن ←	فَاعِل	تَفْعِيل	مَفْعُول	فَعَال	أَفْعَل	فَعَلْتُمْ	مَفْعَل	فَعَل

نکته‌ی ترجمه: معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای «انجام‌دهنده یا دارنده‌ی حالت»، و وزن «مَفْعُول» به معنای «انجام‌شده» است.

مانند: صانع: سازنده / مصنوع: ساخته‌شده / ضارب: زننده / مضروب: زده‌شده

ترکیب وصفی - ترکیب اضافی

موصوف و صفت: در عربی هرگاه دو اسم، پشت سر هم قرار گیرند و هر دو «ال» داشته باشند و یا هر دو بدون «ال» باشند، در صورتی که علامت آخر هر دو، یکسان باشد، موصوف و صفت محسوب می‌شوند.

مانند: الصناعة الجديدة	مختبر صغير
موصوف / صفت	موصوف / صفت
(صنعت جدید)	(آزمایشگاه کوچکی)

مضاف و مضاف‌الیه: دو اسم پشت سر هم که اولی (مضاف)، «ال» و تنوین (ء َ ِ ُ) ندارد، ولی دومی (مضاف‌الیه) معمولاً «ال» و یا گاهی تنوین دارد.

مانند: صناعة الورق	مختبر مدرسة
مضاف / مضاف‌الیه	مضاف / مضاف‌الیه
(صنعت کاغذ)	(آزمایشگاه مدرسه‌ای)

نکته‌ی ترجمه: با دیدن این فرمول «اسم + ضمیر متصل + صفت ال‌دار»، در ترجمه، ضمیر را بعد از صفت قرار دهید.

مانند: أختي الكبيرة: خواهر بزرگ من عملك الصالح: کار نیک تو
خواهر من بزرگ کار تو نیک

ماضی استمراری

هرگاه یکی از فعل‌های خانواده‌ی «کان» (كان - كانا - كانت - كانتا - كنَّ - كنْت - كنْتما - كنْتما - كنْتما - كنْتما - كنْتما - كنْتما - كنْتما - كنْتما) کمی قبل‌تر از یک فعل مضارع بیاید، آن دو به صورت یک فعل ماضی استمراری ترجمه می‌شوند. مانند:
كان طلاب الجامعة يدرسون: دانشجویان دانشگاه درس می‌خواندند كانوا يصنعون بيتاً: خانه‌ای می‌ساختند.

بیان ساعت

در عربی برای بیان ساعت کامل، از اعداد ترتیبی (بر وزن «الفاعلة») استفاده می‌شود و برای بیان «نیم» از «النصف» و برای «ربع» از «الرُّبع» و برای «یک ربع مانده به ...» از فرمول «عدد ترتیبی + إلاً + ربعاً» استفاده می‌شود. مانند:
ساعت پنج تمام: الخامسة تماماً / پنج و ربع: الخامسة والرُّبع / پنج و نیم: الخامسة والنصف / یک ربع مانده به پنج: الخامسة إلا ربعاً

رنگ‌ها و روزهای هفته

الألوان: رنگ‌ها ← أخضر (سبز)، أحمر (سرخ)، أزرق (آبی)، أبيض (سفید)، أصفر (زرد) أشود (سیاه) و بنفَسَجِي (بنفش)
أيام الأسبوع: روزهای هفته ← السبت (شنبه)، الأحد (یک‌شنبه)، الإثنين (دوشنبه)، الثلاثاء (سه‌شنبه)، الأربعاء (چهارشنبه)، الخميس (پنج‌شنبه)، الجمعة (جمعه)

ترجمه‌ی درس



متن درس و ترجمه‌ی واژه به واژه و ترجمه‌ی روان آن

«الأنعام: ١٠»

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

ستایش برای خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و نور را قرار داد (پدید آورد).

ذَٰكَ	هُوَ	اللَّهُ
آن	او (همان)	خداوند
او همان خداوند است.		

أَنْظُرْ	لِتِلْكَ	الشَّجَرَةِ	ذَاتِ	الْعُصُونِ	النَّضْرَةِ
بنگر	به آن	درخت	دارای	شاخه‌های	تازه
به آن درخت بنگر که دارای شاخه‌های تر و تازه است.					

أَنْظُرْ: فعل امر
لِتِلْكَ: اسم اشاره

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	و كَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَةٍ
چگونه	رشد کرد	از	دانه‌ای	و چگونه	شد	درخت
چگونه (در آغاز) از دانه‌ای رشد کرده و چگونه (اکنون) درخت شده است؟						

نَمَتْ: فعل ماضی
صَارَتْ: فعل ماضی
كَيْفَ: کلمه‌ی استفهامی

فَابْحَثْ	وَقُلْ	مَنْ	ذَا الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	الثَّمَرَةِ
پس جست‌وجو کن	و بگو	کیست	این‌که	درمی‌آورد	از آن	میوه
(آن‌گاه) جست‌وجو کن و (به خود) بگو این کیست که از آن (درخت) میوه بیرون می‌آورد؟						

فَابْحَثْ: فعل امر
قُلْ: فعل امر
يُخْرِجُ: فعل مضارع
مَنْ: کلمه‌ی استفهامی

وَانْظُرْ	إِلَى الشَّمْسِ	الَّتِي	جَذَوْتُهَا	مُسْتَعْرَةٍ
و بنگر	به خورشیدی	که	پاره‌ی آتش آن	فروزان
و بنگر به خورشیدی که شعله‌ی آتش آن فروزان است.				

الشمس: اسم مؤنث مجازی
ذَا: اسم اشاره

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَبِهَا	حَرَارَةٌ	مُنْتَشِرَةٌ
در آن	روشنایی	و با آن	حرارتی	پخش
در آن (خورشید) روشنایی (و نور) است و به وسیله‌ی آن حرارت و گرمایی پخش شده است.				

مَنْ	ذَا الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي الْجَوِّ	مِثْلَ	الشَّرَرَةِ
کیست	این‌که	پدید آورد آن را	در آسمان	مانند	پاره‌ی آتش
این کیست که آن (خورشید) را در هوا مانند پاره‌ی آتش پدید آورده است؟					

ذَٰكَ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمَ	مِنْهُمْ
آن	او	خداست	که	نعمت‌هایش	ریزان
آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.					

۱- شاعر این شعر، «معروف رصافی» شاعری عراقی (متولد) از پدری گرد و مادری ترکمن است که آثار بسیاری در نثر و نظم دارد.

توجه: حرف «ه» در آخر مصراع دوم ابیات این درس علامت مؤنث است (ة) که به دلیل ضرورت شعری نقطه‌های آن حذف شده است، ولی در آخر واژه‌های «قمر، مطر» علامت مؤنث‌بودن نیست و تنها به خاطر هماهنگ‌شدن وزن شعر آمده است!

کلمات جدید	کلمات جدید		
	فعل	اسم‌های جمع	سایر کلمات
اَوْجَدَ: پدید آورد	زَانَ: زینت داد	كَمُلَ: کامل کن	
أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم	صَغَ: بگذار	نَمَتْ: رشد کرد «مؤنث»	
أَنْزَلَ: نازل کرد	عَيَّنَ: مشخص کن	يُخْرِجُ: درمی‌آورد	
جَهَّزَ: مجهز کرد	قُلَ: بگو	يُنَاسِبُ: مناسب می‌باشد	
أَنْعَمَ: نعمت‌ها (مفرد: نعمة)	دُرَر: مرواریدها (مفرد: دُرّ)	غُصُون: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)	
أَنْجُم: ستارگان (مفرد: نجم)			
أَنْ: که	ذَلِكَ: آن	مَطَار: فرودگاه	
بَالِغ: کامل	شَرَرَة: اخگر (پاره‌ی آتش)	مَعَ الْأَسْف: متأسفانه	
تَعَاُف: آشنایی	ضِيَاء: روشنایی	مَنْ ذَا: این کیست؟	
جَذَوَة: پاره‌ی آتش	عَیْم: ابر	مُسْتَعِزَة: فروزان	
ذَا: این (هَذَا)	فِرَاق: جای خالی	مُسْتَعِيناً بِ: با کمک	
ذَات: دارای	قَاعَة: سالن	مُنْهَمَة: ریزان	
ذَاكَ: آن (ذَلِكَ)			

صَعَّ	إِجْعَلْ	نَضِرَة	طَارِح	الثَّمَرَة	الفَاكِهَة
قرار بدہ	قرار بدہ	تر و تازہ	تازہ	میوہ	میوہ
الْجَذْوَة	الشَّرَرَة	ضِیَاء	نور	أَوْجَدَ	خَلَقَ
پارہی آتش	پارہی آتش	روشنایی	روشنایی	پدید آورد	آفرید
الْبَالِغ	الْكَامِل	أَنْجَمَ	كَوَاكِب	الْغَيْم	السَّحَاب
کامل	کامل	ستارگان	ستارگان	ابر	ابر
نَامَ	رَقَدَ	مُجِدَّ	مُجْتَهِد	لِمَ	لِمَاذَا
خوابید	خوابید	تلاشگر	تلاشگر	چرا	چرا

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

كثرة	قلّة	صدق	كذب	يعيش	يموت
زيادة	كمي	راستي	دروغ بودن	زندگی می کند	می میرد
الدُّنْيَا	الْآخِرَةُ	أَبَدًا	دَائِمًا	الأَزْدَل	الأَفْضَل
دنیا	آخرت	هیچ گاه	همیشه	فرومایگان	شایستگان
قليل	كثير	زَرْعٌ	حَصَدٌ	رَخِيسٌ	غالي
کم	زیاد	کاشت	درود کردن	ارزان	گران
ناجح	راسب	مسرور	حزين	اليوم	غداً
قبول	مردود	شاد	غمگين	امروز	فردا
مسموح	ممنوع	شراء	بيع	يمين	يسار
مجاز	ممنوع	خريدن	فروختن	راست	چپ
بداية	نهاية	جَمِيلٌ	قَبِيحٌ	قريب	بعيد
آغاز	پايان	زيبا	زشت	نزدیک	دور

تذکره

حوارٌ (التَّعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

زائرٌ مَرَقَدٌ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ	گفت وگو	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ
زائرٌ مَرَقَدٌ أَمِيرِ مومنان علی	آشنایی با یکدیگر در فرودگاه نجف اشرف	یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.	سلام بر شما.
صَبَاحُ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحُ النُّورِ وَالسُّرُورِ.	صبح بخیر یا اخي.
كَيْفَ حَالُكَ؟	صَبِحَ بِهَ خَيْرٍ وَخُوشِي.	صبح به خیر ای برادر.
حَالَتِ چَه طوره؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟	حالت چه طوره؟
بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ.	مِنْ خُوبِمَ وَشَمَا چَه طوري؟	بخیر و الحمد لله.
خوبم، شکر خدا.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	خوبم، شکر خدا.
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	بِبَخْشِيد، أَهْلُ كَجَا هستی؟	من از جمهوری اسلامی ایرانم.
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	اسم من حسین است و نام شریف شما چیه؟
نام من حسین است و نام شریف شما چیه؟	اسم من عبدالرحمان است.	نام من حسین است و نام شریف شما چیه؟
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟	لَا؛ مَعَ الْأَسَفِ. لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.	هل سافرت إلى ایران حتی الآن؟
آیا تا به حال به ایران سفر کرده‌ای؟	نَه، مَتَأَسَفَانَه. وَلِي دُوسْت دَارَمَ كَه سَفَرِ كَنَم.	آیا تا به حال به ایران سفر کرده‌ای؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانٍ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.	اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!
اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!	ان شاء الله؛ به امید دیدار، به سلامت.	اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.	در پناه خدا.
خداحافظ. (در پناه خدا)	در امان و پناه خدا، ای دوست من. (خداحافظ)	خداحافظ. (در پناه خدا)



التمارين

التمرين الأول: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَكُتِبَ نَوْعُ الْأَفْعَالِ. (تمرين اول: این جملات را ترجمه کن و نوع فعلها را بنویس.)

اُكْتُبْ رِسَالَتَكَ:	نامهات را بنویس	لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ:	روی دیوار ننویس
	فعل امر		نهی
اُكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ:	تکالیفتان را بنویسید	هَنْ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:	آنها به سرعت نمی نویسند
	فعل امر		مضارع (منفی)
سَأَكْتُبُ دَرْسِي:	درس را خواهم نوشت	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا:	ما پژوهشهایی را خواهیم نوشت
	مستقبل		مستقبل
مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ:	تمرینهایتان را نوشتید	كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدِقَّةٍ:	با دقت می نوشتند
	ماضی (منفی)		ماضی استمراری

التمرين الثاني: صَنعَ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبِ. (كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً) (عدد مناسب را در دایره قرار بده. (یک کلمه اضافی است.))

- الشَّرَرَةُ: زبانهی آتش
 - الشمس: خورشید
 - القمر: ماه
 - الأنعُم: نعمتها
 - الغيم: ابر
 - الفستان: پیراهن زنانه
 - الدُرُّ: مرواریدها
- کلمه‌ی اضافی: «الأنعُم: نعمتها»

التمرين الثالث: صَنعَ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (این جملهها و ترکیبها را در جای مناسبش قرار بده.)

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ الْبَطَّارِيَةُ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ رُجَاَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذكر	مثنی مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر
تلك البطارية	هذان الدليلان	هاتان رُجَاَتَانِ	أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ	هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ	هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ
آن باطری	این دو راهنما	این دو، شیشه هستند	آن نیکوکاران	این‌ها، برنده هستند	این دوستان

تذکر: هرگاه اسم اشاره قبل از اسم «ال» دار بیاید به صورت مفرد (این / آن) ترجمه می‌شود، حتی اگر مثنی یا جمع باشد.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

التَّحْرِيرُ الرَّابِعُ: أَكْثَبُ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. (وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

- ۱- ناصر، منصور، أنصار: ناصر بر وزن **فَاعِل** منصور بر وزن **مَفْعُول** أنصار بر وزن **أَفْعَال** همگی از ریشه‌ی **ن ص ر**
- ۲- صَبَّار، صَبُور، صَابِر: صَبَّار بر وزن **فَعَّال** صَبُور بر وزن **فُعُول** صَابِر بر وزن **فَاعِل** همگی از ریشه‌ی **ص ب ر**

التَّحْرِيرُ الْخَامِسُ: صَنَعَ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (مترادف‌ها و متضادها را در جای خالی مناسب قرار بده.)

ضیاء / نام / ناجح / مسرور / قریب / جمیل / نهاییه / یَمین / غالیة / شراء / مسموح / مُجَدِّ

مسرور	حزین	یَمین	یسار	ناجح	راسب	غالیة	رخیصة
شاد	غمگین	راست	چپ	قبول	مردود	گران	ارزان
مُجَدِّ	مُجْتَهِد	قریب	بَعید	نهاییة	بدایة	شراء	بَیْع
تلاشگر	تلاشگر	نزدیک	دور	پایان	آغاز	خرید	فروش
مسموح	ممنوع	ضیاء	نور	جَمیل	قَبیح	نام	رَقْد
مجاز	ممنوع	روشنی	نور	زیبا	زشت	خوابید	خوابید

التَّحْرِيرُ السَّادِسُ: ارْشُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.)

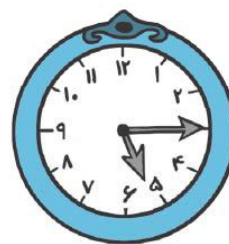
یا پاسخ



التَّاسِيعَةُ إِلَّا رُبْعًا
یک ربع مانده به نه



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ
هشت و نیم



الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ
پنج و ربع

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

ابْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه در مورد متنی کوتاه یا جملاتی به زبان عربی درباره‌ی عظمت آفریده‌های خداوند جست‌وجو کن (پژوهش کن) سپس آن را با کمک واژه‌نامه‌ای عربی به فارسی به زبان فارسی ترجمه کن.

«جِبَالٌ كَبِيرٌ كُوهٌ فِي مَدِينَةٍ بَدْرَةٌ بِمُحَافَظَةِ إِيْلَام»

«کوه‌های «کبیرکوه» در شهر «بدره» در استان ایلام»

«وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»

«آل عمران: ۱۹۱»

درباره‌ی آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند) ای پروردگار ما! این (ها) را باطل و بیهوده نیافریده‌ای.

سؤالهای امتحانی

الف) ترجم العبارات التالية:

- ۱- كيف نَمَتْ مِنْ حَبَةٍ و كيف صَارَتْ شَجَرَةً؟
- ۲- فابْحَثْ و قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟
- ۳- و زائنه بأنجم كالذُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ
- ۴- مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْثِمِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟
- ۵- ذاك هو الله الذي أَنْعَمَ مِنْهُمَزَهُ
- ۶- لا مَعَ الْأَسَفِ . لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ .

ب) تَرْجِمِ الكلمات التي تحتها خط:

- أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ
 ۹ ۸ ۷
- وَأَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً.
 ۱۱ ۱۰
- أَنْعَمَ مِنْهُمْزَةً.
 ۱۳ ۱۲
- ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَةِ
 ۱۵ ۱۴

ج) عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْأَفْعَالِ:

- | | | |
|----------------|--|---|
| ۱۶- أَوْجَدَ | ☐ الف) ایجاد کرد | ☐ ب) ایجاد شد |
| ۱۷- ابْحَثْ | ☐ الف) بحث کن | ☐ ب) جست و جو کن |
| ۱۸- يُخْرِجُ | ☐ الف) خارج می شود | ☐ ب) خارج می کند |
| ۱۹- صَارَ | ☐ الف) گشت | ☐ ب) گردانید |
| ۲۰- يَنْفَعُ | ☐ الف) سود می رساند | ☐ ب) سود می برد |
| ۲۱- يَنْتَفَعُ | ☐ الف) سود می رساند | ☐ ب) سود می برد |

د) كَمِّلِ التَّرْجُمَةَ:

- ۲۲- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ.
- به شب پس ماه را در آن ایجاد کرد.
- ۲۳- ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾
 در می اندیشند ای پروردگار ما، این را بیهوده
- ۲۴- مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَخْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.
 هر چه در دنیا
- ۲۵- عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ.
 شما باید صبر کنید، زیرا

هـ) عَيِّنِ نَوْعَ الْفِعْلِ (الماضي و المضارع و الأمر و النهي) في العبارات التالية:

- ۲۶- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْتَظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ.
- ۲۷- ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا﴾
- ۲۸- الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ.
- ۲۹- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

و اُكْتُبِ الْمُتَضَادَّاتِ وَ الْمُتَرَادِفَاتِ مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

السَّحَابُ / حَصَدَ / الْجَدْوَةُ / الْيَوْمَ / تَعِيشُ / الظُّلُمَاتُ / تَمُوتُ / زَرْعَ / الطَّارِجَةُ / النُّورَ / الْغَيْمَ / غَدَاً / الشَّرَّةُ / النَّصْرَةُ

٣٠- ٣١- ٣٢- ٣٣-
٣٤- ٣٥- ٣٦-

ز عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:

- ٣٧- وَانْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمِنْ ذَا الَّذِي أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ؟
☐ (الف) به ابر بنگر، پس این کیست که از آن، باران ها را نازل کرد؟
☐ (ب) به ابر نگاه کن، پس این چه کسی است که از آن، باران نازل کرد؟
☐ (ج) به ابرها بنگر، پس آن کیست که از آن باران، نازل می کند؟
- ٣٨- أَتُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى بِلَادِكَ الْجَمِيلَةِ؟
☐ (الف) آیا دوست داری که به کشور زیبایت سفر کنی؟
☐ (ب) آیا دوست دارد که به کشورت که زیباست سفر کند؟
☐ (ج) آیا دوست داری که به کشور زیبایت سفر کنم؟
- ٣٩- وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.
☐ (الف) و آن را مانند مروارید پراکنده با ستاره های زینت داد.
☐ (ب) و آن را با ستاره هایی همچون مرواریدهای پراکنده آراست.
☐ (ج) و آن را همانند مرواریدهایی پراکنده با ستاره های زینت بخشید.

ح عَيِّنِ ضَمِيرًا مُنَاسِبًا لِلْفِعْلِ ثُمَّ تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ:

- ٤٠- () أَنْتِ ☐ أَنْتُمْ ☐ أَنْتَنِ
 ٤١- () هُم ☐ هُمَا ☐ أَنْتَمَا
 ٤٢- () أَنَا ☐ أَنْتُمْ ☐ نَحْنُ

ط اُكْتُبِ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ:

- ٤٣- مَزْرَعَةٌ زَارِعٌ زَرْعٌ زِرَاعَةٌ
 ٤٤- قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ تَقْدِيرٌ إِقْتِدَارٌ
 ٤٥- خَطَابٌ خُطَابٌ خَطِيبٌ مُخَاطَبٌ
 ٤٦- حَرِيقٌ إِحْتِرَاقٌ مُخْتَرِقَةٌ مُخْرِقٌ

ي صَنِّعْ هَذِهِ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرَجِّمْهَا:

هؤلاء العالمون / تلك الدُّرَرُ / هذان النُّجُمانِ / هذه الحكمة / هاتان البطَّارِيتانِ / هذا الغَيمُ / هذه الحوارات

٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣
مفرد مذكر	مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

ك صَنِّعِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ فِي مَكَانِهَا مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

الغَيمُ / الْقَمَرُ / الْأَنْجُمُ / الشَّمْسُ / النَّهَارُ / الْغَدَاءُ

٥٤- تدور الأرض حولها و ضياءها من نفسها.

٥٥- يتجمع البخار فيه و ينزل المطر منه.

٥٦- مصابيح السماء و زينتها في الليل.

٥٧- طعام نأكل بين الفطور والعشاء.

ل اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً حَسَبِ الْمَعْنَى:

- الأعداد الأصلية هي: / اثنان / / أربعة / خمسة /

٥٨ ٥٩

- الأعداد الأصلية: / سبعة / ثمانية / تسعة / / أحد عشر /

٦٠ ٦١ ٦٢

- الأعداد الترتيبية هي: الخامس / / السابع / / التاسع /

٦٣ ٦٤ ٦٥

- أيام الأسبوع سبعة و هي: يوم والأحد و والثلاثاء و

٦٦ ٦٧ ٦٨

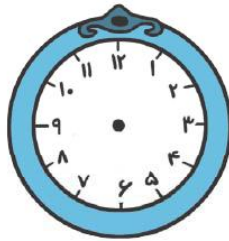
- نأكلُ في الصباح و في الظهر و العشاء في الليل.

٦٩ ٧٠

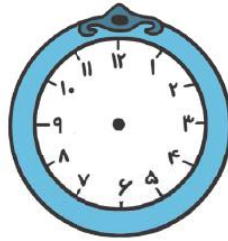
- لون السماء و لون الموز و لون الغراب

٧١ ٧٢ ٧٣

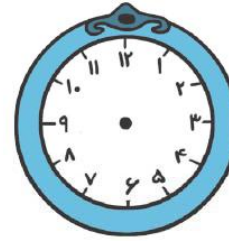
م اُرْسُمْ عقارب الساعات:



٧٦- الزابعة والرُبع



٧٥- التاسعة والنصف



٧٤- الزابعة الأربعة

ن صُغْ فِي الْفَرَاغِ ضَميراً مناسباً:

٧٧- ما مِهْنَتُكَ يا أُخِي؟ - حَدَاذٌ.

٧٨- هل هُؤَلاءِ الطالِبَاتُ حاضِرَاتٌ؟ - نعم جالِساتٌ فِي الصَّفِّ.

٧٩- من أَنْتُمْ؟ - سائِحُونَ مِنْ لَبْنانِ.

☐ أنا	☐ أَنْتِ	☐ نَحْنُ
☐ هُوَ	☐ هُنَّ	☐ هُمْ
☐ أَنْتُمْ	☐ نَحْنُ	☐ هُمْ

س تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ وَ اكْتُبْ نَوْعَهَا:

٨٠- كانوا يظلمون

٨١- لا تدخل

٨٢- لا تدخل

٨٣- سوف يرجع

٨٤- اجعلوا

٨٥- ما طلبنا

ع رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ اكْتُبْ سَوْالاً وَ جَواباً صحيحاً:

الكريم / اسمي / ما / اسمك / حسين

٨٦-؟

٨٧-؟

ف عَيِّنِ السَّوْالَ الْمُنَاسِبَ لِهَذِهِ الْعِبْرَةِ: «أنا بخير»

☐ (ج) ما اسمك؟

☐ (ب) كيف حالك؟

☐ (الف) من أين أنت؟

پاسخ سؤال‌های امتحانی

الف عبارات‌های زیر را ترجمه کن:

- ۱- چگونه از دانه‌ای رویید و چگونه درخت شد؟
- ۲- جست‌وجو کن و بگو این کیست که از آن، میوه را خارج می‌کند.
- ۳- و آن را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده زینت داد.
- ۴- این کیست که آن (خورشید) را در هوا مانند پاره‌ی آتش پدید آورده است.
- ۵- «... آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است»
- ۶- «... نه متأسفانه، ولی من دوست دارم که سفر کنم ...»

ب کلماتی را که خط کشیده شده ترجمه کن:

- | | | |
|----------------|-------------|---------------|
| ۷- کارمندان | ۸- سالن | ۹- فرودگاه |
| ۱۰- پاره‌ی آتش | ۱۱- فروزان | ۱۲- نعمت‌ها |
| ۱۳- ریزان | ۱۴- شاخه‌ها | ۱۵- تر و تازه |

ج در ترجمه‌ی فعل‌ها، صحیح را مشخص کن.

- | | | |
|--------------------|-----------------------|--------------------|
| ۱۶- الف) ایجاد کرد | ۱۷- ب) جست‌وجو کن | ۱۸- ب) خارج می‌کند |
| ۱۹- الف) گشت | ۲۰- الف) سود می‌رساند | ۲۱- ب) سود می‌برد |

د ترجمه را کامل کن:

- ۲۲- ... نگاه کن - چه کسی.
- ۲۳- ... آفرینش آسمان‌ها و زمین - نیافریدی.
- ۲۴- ... بکاری، در آخرت درو می‌کنی.
- ۲۵- ... صبر نسبت به ایمان همانند سر نسبت به بدن است.

ه نوع فعل را در عبارات‌های زیر مشخص کن:

- ۲۶- [به چیزی که گفت بنگر و به کسی که گفت منگر]. اَنْظُرْ: فعل امر / قَالَ: فعل ماضی / لَا تَنْظُرْ: فعل نهی
- ۲۷- [او هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس سجده کردند]. قُلْنَا: فعل ماضی / اُسْجِدُوا: فعل امر / سَجَدُوا: فعل ماضی
- ۲۸- [عقل کسی است که از دو بدی بهترین را بشناسد]. يَعْرِفُ: فعل مضارع
- ۲۹- [هرگاه بر دشمنت قدرت یافتی، بخشیدن و عفو او را شکری برای قدرت و تسلط بر او قرار ده]. قَدَرْتَ: فعل ماضی / اِجْعَلْ: امر

و از کلمات زیر، متضادها و مترادف‌ها را بنویس. (دو کلمه اضافی است):

- | | | | |
|-------------------------|----------------------------|--------------------------------|-----------------------|
| ۳۰- السَّحَابُ = الغَیم | ۳۱- حَصَدَ = زَرَعَ | ۳۲- الْجَدْوَةُ = الشَّرَّةُ | ۳۳- الْيَوْمُ = غَدًا |
| ۳۴- تَعِيشٌ = تَمَوْتُ | ۳۵- الظُّلُمَاتُ = النُّور | ۳۶- الطَّارِجَةُ = النَّصْرَةُ | |

ز ترجمه‌ی صحیح را مشخص کن:

- ۳۷- ب) الغَیم: ابر و المطر: باران، مفرد هستند نه جمع / اَنْزَلَ: نازل کرد، فعل ماضی است نه مضارع.
- ۳۸- ج) تُحِبُّ: دوست داری / اَنْ اُسَافِرَ: سفر کنم / بلادك الجميلة: کشور زیبایت
- ۳۹- ب) اَنْجُم: ستارگان و دُرَر: مرواریدها، جمع هستند نه مفرد.

ح ضمیر مناسبی برای فعل مشخص کن و سپس جمله را ترجمه کن.

- ۴۰- اَنْتَ سَتَسْمَعُ: تو خواهی شنید. (مستقبل)
- ۴۱- هُمَا كَانَا يَلْعَبَانِ: آن‌ها بازی می‌کردند. (ماضی استمراری)
- ۴۲- نَحْنُ سَنَصْعَدُ: ما بالا خواهیم رفت. (مستقبل)

ط وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس:

- ۴۳- بر وزنِ مَفْعَلَةٍ - فاعِل - فَعَّلَ - فِعَالَةٌ
از ریشه‌ی: ز ر ع
- ۴۴- بر وزنِ فاعِل - مَفْتَعِل - تَفْعِيل - اِفْتِعَال
از ریشه‌ی: ق د ر

۴۵- بر وزنِ فَعَالٍ - فَعِيلٍ - مُفَاعَلٍ از ریشه‌ی: خ ط ب

۴۶- بر وزنِ فَعِيلٍ - إِفْتَعَالَ - مُفْتَعِلَةً - مُفْعِلٍ از ریشه‌ی: ح ر ق

ی این ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده، سپس آن‌ها را ترجمه کن:

۴۷- هذا الغيم: این ابر ۴۸- هذه الحكمة: این حکمت

۴۹- هذان النجمان: این دو ستاره ۵۰- هاتان البطارتان: این دو باتری

۵۱- هؤلاء العالمون: این دانشمندان ۵۲- هذه الجوارات: این گفت‌وگوها

۵۳- تلك الدُّرر: آن مرواریدها

ک از کلمات زیر، کلمه‌ی مناسب را در جای مناسبش قرار بده، (دو کلمه اضافی است).

۵۴- الشمس: خورشید [زمین به دور آن می‌چرخد و روشنایی آن از خودش است].

۵۵- الغيم: ابر [بخار در آن جمع می‌شود و باران از آن می‌بارد].

۵۶- الأنجم: ستارگان [چراغ‌های آسمان و زینت آن در شب است].

۵۷- الغداء: نهار [غذایی که میان صبحانه و شام می‌خوریم].

ل در جای خالی مطابق معنا کلمه‌ی مناسبی بنویس:

۵۸- واحد	۵۹- ثلاثة	۶۰- ستة	۶۱- عشرة	۶۲- اثنا عشر
۶۳- السادس	۶۴- الثامن	۶۵- العاشر	۶۶- السبت	۶۷- الإثنين
۶۸- الأربعاء	۶۹- الفطور	۷۰- الغداء	۷۱- أرزق	۷۲- أصفر
۷۳- أسود				

م عقربه‌های ساعت را رسم کن:



۷۶- چهار و ربع



۷۵- نه و نیم



۷۴- یک ربع به چهار

ن در جای خالی ضمیر مناسبی قرار بده:

۷۷- أنا ای برادرم شغلت چیست؟ من آهنگر هستم.

۷۸- هنّ آیا این دانش‌آموزان (دختر) حاضر هستند؟ بله آن‌ها در کلاس نشسته‌اند.

۷۹- نحنّ شما کیستید؟ ما گردشگرانی از لبنان هستیم.

س فعل‌های زیر را ترجمه کن و نوع آن‌ها را بنویس:

۸۰- ستم می‌کردند (ماضی استمراری)

۸۱- وارد نشو (نهی) انتهای فعل تغییر یافته (مجزوم شده) ۲: لا تدخل

۸۲- وارد نمی‌شوی (مضارع منفی)

۸۳- باز خواهد گشت (مستقبل)

۸۴- قرار دهید (امر)

۸۵- درخواست نکردیم (ماضی منفی)

ع کلمات زیر را مرتب کن، سپس سؤال و جواب صحیحی را بنویس:

۸۶- ما اسمك الكريم؟ ۸۷- اسمي حسين؟

ف سؤال مناسب برای این جمله را مشخص کن: «من خوبم»

(ب) حالت چه‌طور است؟

سؤال های چهارگزینه ای

۱- عین ما لیس فیہ فعلٌ:

☐ الف) الحمدُ للخالق الَّذی خَلَقَ الدُّنیا

☐ ج) کِیفَ نَمَتْ مِن حَبَّةٍ

☐ ب) اِنْ طَلَبَ العِلْمَ فَرِیضَةً

☐ د) وَاَنْظُرْ اِلَى الْغَیْمِ وَقُلْ

۲- ما هو المفرد؟

☐ الف) اُنْجَمٌ

☐ ج) الْغَیْمِ

☐ ب) الْغُصُونِ

☐ د) دُرَّرَ

۳- عین النّهی:

☐ الف) لا تجعلین

☐ ج) لا تجعلون

☐ ب) لا تجعلان

☐ د) لا تجعلن

۴- عین الفعل الذي لا یناسبُ الأفعال الأخرى فی النّوع:

☐ الف) لا تشاهدين

☐ ج) لا تعبّري

☐ ب) لا تلبسوا

☐ د) لا تنزل

۵- عین الفعل الذي لا یناسبُ الأفعال الأخرى فی النّوع:

☐ الف) اِئْحِثِي

☐ ج) اِئْتَفَعَ

☐ ب) اِغْسِلُوا

☐ د) اِخْتَرِمَ

۶- عین الفعل الذي لا یناسبُ الأفعال الأخرى فی النّوع:

☐ الف) سَجَدَنْ

☐ ج) یَحْرُسُنَ

☐ ب) غَسَلَنْ

☐ د) یَشْكُرُنَ

۷- عین الفعل الذي لا یناسبُ الأفعال الأخرى فی النّوع:

☐ الف) سَافَرْتُمْ

☐ ج) سَتَرُوا

☐ ب) سَلَّمْنَا

☐ د) سَيَّرَحِمُ

۸- عین الصّحیح للفرّاغ:

المعلّمون التّلامیذُ غداً.

☐ الف) سوف یساعدون

☐ ج) ساعدوا

☐ ب) كانوا یساعدون

☐ د) كانوا ساعدوا

۹- عین الصّحیح للفرّاغ:

..... لونٌ یظهِرُ فی أوراقِ الأشجار و النباتات فی الرّیّح.

☐ الف) الأصفر

☐ ج) الأبيض

☐ ب) الأحمر

☐ د) الأخضر

۱۰- عین الصّحیح للفرّاغ:

الیومُ الخامسُ مِن الأسبوعِ هو

☐ الف) الخمیس

☐ ج) الثّلاثاء

☐ ب) الأربعاء

☐ د) الجُمعة

پاسخ سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه‌ی «ب»
[آن چه را که در آن فعل نیست مشخص کن].
«طَلَبَ» در این جا اسم (مصدر) است (خواستن دانش، واجب است).
در سایر گزینه‌ها، «خَلَقَ - نَمَتَ - أَنْظَرَ - قُلَّ» فعل هستند.
- ۲- گزینه‌ی «ج»
[مفرد کدام است؟]
«الغَیْمُ» ابر» مفرد است، ولی سایر گزینه‌ها جمع هستند. (ستارگان - شاخه‌ها - مرواریدها)
- ۳- گزینه‌ی «د»
[نهی را مشخص کن].
حرف «ن» در «تَجْعَلُنَّ» حذف نمی‌شود، ولی سایر گزینه‌ها اگر نهی بودند حرف نون آن‌ها باید حذف می‌شد، زیرا ماقبل نون یکی از حروف «و - ا - ی» وجود دارد. این گزینه‌ها منفی هستند.
- ۴- گزینه‌ی «الف»
[فعلی را که با فعل‌های دیگر از نظر نوع تناسب ندارد مشخص کن].
«لا تشاهدین» فعل منفی است، ولی سایر گزینه‌ها نهی هستند، زیرا انتهای آن‌ها تغییر یافته است.
- ۵- گزینه‌ی «ج»
[فعلی را که با فعل‌های دیگر از نظر نوع تناسب ندارد مشخص کن].
«إِنْتَفَعَ» فعل ماضی است، ولی سایر گزینه‌ها امر هستند، زیرا انتهای آن‌ها تغییر یافته است.
- ۶- گزینه‌ی «ج»
[فعلی را که با فعل‌های دیگر از نظر نوع تناسب ندارد مشخص کن].
«يَخْرُسْنَ» فعل مضارع است، ولی سایر گزینه‌ها ماضی هستند.
- ۷- گزینه‌ی «د»
[فعلی را که با فعل‌های دیگر از نظر نوع تناسب ندارد مشخص کن].
«سَيَرْحَمُ» فعل مستقبل است، ولی سایر گزینه‌ها ماضی هستند.
- ۸- گزینه‌ی «الف»
[برای جای خالی، صحیح را مشخص کن].
با توجه به «غداً: فردا» به فعل مستقبل نیاز داریم. [معلم‌ها فردا به دانش‌آموزان کمک خواهند کرد].
- ۹- گزینه‌ی «د»
[برای جای خالی، صحیح را مشخص کن].
الأخضر: سبز [رنگی که در بهار در برگ‌های درختان و گیاهان آشکار می‌شود].
- ۱۰- گزینه‌ی «ب»
[برای جای خالی، صحیح را مشخص کن].
الأربعاء: چهارشنبه [روز پنجم از هفته]